

اعجاز علمی قرآن از دیدگاه موريس بوكای

ملکه یعقوبی^۱

چکیده

خداوند قرآن را برای هدایت بشر فرستاده است و نیز پیامبر گرامی اسلام به عنوان مبلغ و مبشر آن فرستاده شده است. قرآن کلام الهی و محتوای آن در همه ابعاد معجزه است، آیات قرآن به جهت اینکه دارای موضوعات متفاوت علمی، اخلاقی، اجتماعی و... است، و نیز با توجه به فرازمانی و فرامکانی بودن آن، از آغاز نزول مورد توجه موافقان و مخالفان قرار گرفته است. بسیاری از دانشمندان در مورد برخی از موضوعات علمی آن تحقیق جدی نموده اند و رازهای نهفته ای که همه روزه در علم روز ثابت می شوند، آن را ۱۴۰۰ سال قبل خداوند در آیاتش بیان نموده است و این باعث مسلمان شدن دانشمندانی، مانند «موريس بوكای فرانسوی» شده است. او با تحقیق در مورد فرعون که در زمان خودش شخص سرکش، ظالم و متکبر بود؛ ضمن بیان کردن عاقبت این گونه افراد، می خواهد درس عبرتی برای دیگران نیز باشد. وی تحقیقات زیادی را در مورد آفرینش آسمان و زمین و... انجام داده است.

کلیدواژه: اعجاز، قرآن، علم، موريس بوكای.

۱. گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم اسلامی، دانشگاه بین المللی المصطفی (ص)، کابل، افغانستان.

مقدمه

قرآن کریم آخرین سروش آسمانی است که بر آخرین پیامبر، یعنی حضرت محمد (ص)، فرود آمد و جهانیان را به نور و کمال هدایت کرد. قرآن نه فقط یک کتاب بلکه یک معجزه است که نشانه صدق پیامبر (ص) است و از این رو، اعجاز قرآن از همان اوایل ظهور اسلام مورد توجه مسلمانان و مخالفان آن‌ها قرار گرفت. اعجاز قرآن دارای ابعاد متفاوتی است؛ مثل فصاحت و بلاغت، محتوای عالی، اخبار غیبی و از جمله مباحثی که قرآن کریم به آن پرداخته است، بیان نکات علمی از آغاز آفرینش آسمان و زمین و... می‌باشد که همواره مورد حیرت مخالفان، و شگفتی مسلمانان و معتقدان قرآن شده است. از جمله کسانی که تحت تأثیر این محتوا قرار گرفته، موریس بوکای فرانسوی است که با تحقیق در مورد جسد فرعون و تطبیق آن با آیات قرآن مسلمان شد. وی آیات زیادی از قرآن را مورد بحث قرار داده است که در این تحقیق نمونه‌هایی از تحقیقات ایشان بیان می‌گردد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. اعجاز

اعجاز در لغت: واژه‌های اعجاز، معجزه از عجز به معنای ضعف و ناتوانی مشتق شده است. عجز ضد قدرت است، عجز ناتوانی است و اعجاز مصدر باب ثلاثی مزید، باب افعال، به معنای ناتوان کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۸). اعجاز در اصطلاح دانشمندان علم کلام و علوم قرآنی، کار خارق‌العاده‌ای است که توسط مدعی پیامبری، مطابق با ادعای پیامبری انجام شده، همراه با تحدی و مبارزه‌طلبی است که دیگران از انجام آن ناتوان‌اند و خداوند آن قدرت را برای اثبات پیامبری به وی می‌دهد.

برخی دانشمندان غربی مانند Miracle معجزه را «امر شگفت‌انگیز» غیرعادی و تکان‌دهنده دانسته‌اند (قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). برخی دیگر مانند Sign معجزه را به «امر معنادار» تفسیر کرده‌اند و مراد آنان آیه و نشانه است؛ به این معنا که آنچه در

اعجاز درخور تأمل است، ماهیت فعل و خارق عادت نیست، بلکه معنا و دلالت، مورد توجه است؛ یعنی آن آگاهی که از علم به یک شیء برای انسان حاصل می شود (قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۶۵).

همچنان آقای «هالندا» آن را به معنای «هماهنگی رویدادها» دانسته و نیز برخی دیگر مانند «جان هرمن رندل» اعجاز را به امر «تبیین ناپذیر» تفسیر کرده اند (قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۶۷ - ۶۸).

این تعاریف از اعجاز هرکدام فاقد ارکان و شرایط اعجاز اصطلاحی است که عموماً مقصود دین داران است. چون در تعریف اعجاز مفاهیمی مانند ادعای پیامبری، دلالت بر اثبات پیامبری، و ارتباط با خدا، تحدی و عدم معارضه لحاظ شده است.

۲. ابعاد اعجاز

اعجاز قرآن از مهم ترین مباحث علوم قرآنی، کلام اسلامی و ادبیات عرب و از مبانی دین اسلام است که خداوند متعال فرموده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»؛ و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل، ۸۹). همچنان قرآن کریم اقیانوس بی کران معارف است که نمی توان به ژرفای حقایق و دانستنی های آن دست یافت که با اثبات اعجاز قرآن، الهی بودن آن اثبات می گردد و این اعجاز در مقابل مخالفان در ابعاد متفاوت، علمی، بیانی، خبرهای غیبی و... بیان شده است که به اختصار ذکر می شود.

۱-۲. اعجاز بیانی قرآن (فصاحت و بلاغت)

قرآن یک معجزه ادبی است؛ فصیح بودن آن در حد اعلای فصاحت و بلاغت و رسا بودن آن نیز کامل است؛ به طوری که در قبل و بعد از ظهور اسلام هیچ شعری یا خطبه و کلام عربی به پایه آن نرسیده است. کلمات آن دارای دقیق ترین معنا است که نمی توان بدون از بین رفتن معنا آن را جایگزین کرد و کلمات اگرچه در ظاهر هم معنی هستند ولی تفاوت های اندکی دارند که سبب کاربردهای متفاوت آن ها در

قرآن می‌شود؛ مثلاً دو کلمه نعم و بلی مترادف هستند، ولی در قرآن بلی همواره جواب سؤالی است که با حرف نفی پرسیده شود مانند «قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا» (انعام، ۳۰)، و نعم جواب سؤالی است که با هل پرسیده شود مانند «فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ» (اعراف، ۴۵). از این گونه کلمات مترادف می‌توان به حمد و شکر، اقعده و اجلس، بخل و شح و واژگان دیگر اشاره کرد (معرفت، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۲۲۶).

۲-۲. سبک و نظم خاص قرآن

هرچند قرآن از حروف و کلمات معمولی زبان عرب تشکیل شده است، اما نظم خاص خود و تألیف منحصر به فرد آن در ترکیبات کلامی آن معجزه است؛ یعنی سبک خاص آن، نه شعر، نه نظم است بلکه کلامی خاص است که قابل تقلید نیست. چرا که خداوند از همه حروف و کلمات و ترکیبات آگاهی دارد و بهترین آن‌ها را انتخاب کرده است، ولی ما نه علم کامل الهی را داریم و نه قدرت او را و لذا نمی‌توانیم مثل او سخنی بگوییم.

علاوه بر خود کلمات، نظم قرآن یعنی نحوه قرارگیری کلمات در کنار هم نیز بخشی از اعجاز بیانی است. به عنوان مثال، در مورد نظم قرآن جرجانی نویسنده کتاب دلایل اعجاز در ذیل آیه «وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا» می‌گوید که اگر گفته می‌شد «فَجَّرْنَا عُيُونَ الْأَرْضِ» یا «فَجَّرْنَا عُيُونَ فِي الْأَرْضِ» مقصود آیه را نمی‌رسانید و با ارائه مثال می‌گوید که در قرآن هیچ کلمه‌ای نیست که در جای خود نباشد یا لفظ دیگری برای نشستن در آنجا مناسب‌تر باشد. موارد دیگری که در بحث اعجاز بیانی ذکر می‌شود سبک قرآن است که با شعر و نثر تفاوت دارد، وزن و قافیه آن و انواع صنایع ادبی مانند تشبیه، کنایه، تمثیل و غیره است (جرجانی، ۱۳۶۸، ص ۲۸).

۲-۳. معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امّی

وقتی معارف قرآن در زمینه توحید و صفات خدا با دیگر کتاب‌های آسمانی و سخنان فلاسفه و حکما، مقایسه شود متوجه می‌شویم که قرآن چیز دیگری است که عقل‌ها

را متحیر می‌نماید و دیگران از آوردن معارفی مثل آن عاجزند و این در حالی است که همه این معارف توسط یک فرد امّی (بی‌سواد) بیان شده است (میر محمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۰).

همچنین دانشمند آمریکایی بنام «خانم مارگرت مارکوس» می‌نویسد: جنبه اعجاز قرآن نه فقط مربوط به اصل و محتوا بوده، بلکه مربوط به شکل و ظاهر آن نیز می‌شود. چگونه می‌تواند مردی درس ناخوانده اثری به‌جا بگذارد که نه تنها بالاتر و برتر از آن وجود ندارد، بلکه قابل مقایسه نیست. قرآن مقامی دارد که حتی اگر جن و انس با یکدیگر همکاری کند، نمی‌توانند شبیه آن را به وجود بیاورند. به حضرت محمد (ص) از طرف خداوند اجازه داده شده‌ست که تا همه مخالفان را به مبارزه دعوت کند که یک سوره نظیر آن بیاورند که هیچ‌وقت نتوانستند (علیقلی، ۱۳۷۵، ص ۲۴).

۲-۴. خبرهای غیبی از گذشته و آینده

قرآن در موارد متعددی از اقوام گذشته که اثری از آن‌ها نبود مثل قوم لوط و عاد و ثمود و... سخن گفته است و اکتشافات بعدی باستان‌شناسان این مسائل را اثبات کرده و می‌کند و یا در مواردی از مسائل آینده سخن می‌راند مثل پیش‌بینی شکست ایران از روم که به وقوع پیوست. این اخبار غیبی است که بشر عادی از آوردن مثل آن عاجز است (معرفت، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۶۴).

۲-۵. قوانین محکم قرآن

قائل این سخن نیز آیت‌الله خویی (ره) است که نظام تشریع و قانون‌گذاری قرآن از چنان متانت و استواری برخوردار است که هیچ‌کس قادر نیست مثل آن را بیاورد بلکه انسان‌ها هر قانونی که می‌گذارند پس از گذشت چندی اشکالات و سستی آن آشکار می‌شود و خود ناچار به تغییر آن می‌شوند. برای مثال قرآن به نظام عدل و وسط، برادری و علم دعوت می‌کند و درجایی که به آخرت می‌پردازد دنیا را هم فراموش نمی‌کند (معرفت، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۶۴).

۶-۲. استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن)

قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر^(ص) نازل شد که گاهی در شرایط جنگ، صلح، سفر و... بود ولی با این حال اختلاف و تناقضی در بیانات قرآنی وجود ندارد. در حالی که اگر یک نویسنده در طی چند سال مشغول نوشتن باشد گاهی در ابتدا و انتها و مطالب داخل نوشته تناقضاتی به چشم می‌خورد. این مطلب، اعجاز قرآن را می‌رساند که هیچ انسانی نمی‌تواند مثل قرآن این‌گونه سخن گوید که این نظریه را شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌الله خویی نیز پذیرفته‌اند (معرفت، ۱۳۹۶، ج ۴، ۱۳۳).

۷-۲. صرفه و اعجاز قرآن

برخی معتقدند که اعجاز قرآن از آن جهت است که خداوند اجازه نمی‌دهد کسی مثل قرآن را بیاورد یعنی قدرت را از مخالفین سلب می‌کند. البته این نظریه به سه صورت تصویر شده است. اول: این که بگوییم خداوند انگیزه افراد مخالف قرآن را سلب می‌کند. دوم: اینکه بگوییم خداوند علوم لازم آن‌ها را سلب می‌کند. سوم: اینکه بگوییم با اینکه قصد مخالفت دارند و قدرت بر آوردن مثل قرآن دارند، اما خداوند^(ج) جلوی آن‌ها را جبراً می‌گیرد. معمولاً صاحب‌نظران علوم قرآن این دیدگاه را نمی‌پذیرند.

۸-۲. اعجاز علمی

یکی از مهم‌ترین ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان و دانشمندان را به شگفتی واداشت و بسیاری از صاحب‌نظران علوم قرآن نیز بدان تصریح کرده‌اند، اشارات علمی دقیق و تغییرناپذیر در قرآن کریم بوده که به صورت گذرا و کلی بیان گردیده است و تصور می‌شود به علوم اشاره دارد که یا در زمان آوردن قرآن ناشناخته بوده است که بعدها روشن شده است، یا در بعضی موارد هنوز کشف نشده است که در مورد تعداد دقیق این آیات و تفسیر آن نیز میان مفسرین اختلاف نظر فراوان وجود دارد. نمونه‌های اعجاز علمی قرآن می‌توان به حرکت خورشید (یس، ۳۸) برخلاف تفاسیر اولیه به حرکت ظاهری خورشید در

آسمان تفسیر نمی‌شود، نیروی جاذبه، لقاح ابرها، زوجیت اشیا و ترتیب مراحل خلقت انسان اشاره کرد. بعضی از این آیات شامل موارد زیر است:

- تعدادی از آیات به حرکت خورشید و ماه و اجرام آسمانی اشاره می‌کنند. «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (یس، ۳۸)؛ و خورشید (نیز برای آن‌ها آیتی است) که پیوسته به‌سوی قرارگاهش در حرکت است، این تقدیر خداوند قادر و دانا است.

- «و كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» به معنای «هر کدام در فلکی شناورند» (یس، ۳۶).

- «الشمس والقمر دائبین» به معنای «خورشید و ماه هر دو در حال حرکت هستند» (ابراهیم، ۳۳). برخلاف تفاسیر اولیه به حرکت ظاهری خورشید در آسمان تفسیر نمی‌شود بلکه به شناور بودن خورشید و ماه و سایر ستارگان در درون کهکشان یا همراه با کل کهکشان در فضا تفسیر می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۶۱-۷۱).

۳. تحقیقات مورس بوکای

مورس بوکای فرانسوی در ۱۹ ژوئیه سال ۱۹۲۰ در شهر پوسی وگ به دنیا آمد و ۱۷ فوریه سال ۱۹۹۸ درگذشت. پزشکی را از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۲ فراگرفت و متخصص دستگاه گوارش شد.

۳-۱. تحقیق بوکای در مورد فرعون

بوکای در سال ۱۹۷۳ به‌عنوان پزشک خانوادگی ملک فیصل، پادشاه عربستان سعودی تعیین شد. وی همچنین پزشک برخی از اعضای خانواده رئیس‌جمهور مصر، انور سادات نیز بوده است. وی در اول مسیحی بود بعداً مسلمان شد.

در زمان ریاست جمهوری فرانسوا میتران در سال ۱۹۸۱ میلادی جسد مومیایی شده فرعون برای برخی آزمایش‌ها و تحقیقات از مصر به فرانسه منتقل شد. مورس بوکای ریاست این گروه تحقیق و ترمیم جسد مومیایی را بر عهده داشت. او برخلاف سایرین که قصد ترمیم جسد را داشتند، تصمیم داشت چگونگی مرگ این فرعون را دریابد.

تحقیقات پروفیسور بوکای همچنان ادامه داشت تا اینکه در ساعات پایانی شب نتایج نهایی ظاهر شد؛ بقایای نمکی که پس از ساعت‌ها تحقیق بر جسد فرعون کشف، شد نشان می‌داد که او در دریا غرق شده است و پس از مرگش برای حفظ جسد، آن را مومیایی کرده‌اند؛ اما مسئله دیگری که باعث تعجب بیش از حد پروفیسور بوکای شده بود این مسئله بود که چگونه این جسد سالم‌تر از سایر اجساد، باقی مانده بود درحالی که این جسد را از دریا بیرون کشیده بودند.



۲-۳. تطبیق نتایج تحقیق موریس بوکای با متن قرآن

پروفیسور موریس بوکای در حال آماده کردن گزارش نهایی در مورد کشف جدید (مرگ فرعون به وسیله غرق شدن در دریا و مومیایی جسد او بلافاصله پس از بیرون کشیدن از دریا) بود که یکی از حضار درگوشی به او یادآور شد که برای انتشار نتیجه تحقیق عجله نکند، چراکه نتیجه تحقیق کاملاً مطابق با نظر مسلمانان در مورد غرق شدن فرعون است. ولی موریس بوکای به شدت این خبر را رد کرده و آن را بعید دانست. او بر این عقیده بود که رسیدن به چنین نتیجه بزرگی ممکن نیست مگر با پیشرفت علم

و با استفاده از امکانات دقیق و پیشرفته کامپیوتری. در جواب او یکی از حضار بیان کرد که قرآنی که مسلمانان به آن ایمان دارند قصه غرق شدن فرعون و سالم ماندن جسد او بعد از مرگ را خبر داده است.

حیرت و سردرگمی پروفیسور بوکای دوچندان شد زیرا این مومیایی در سال ۱۸۹۸ میلادی و تقریباً در حدود ۲۰۰ سال قبل کشف شده بود، درحالی که قرآن مسلمانان ۱۴۰۰ سال قبل بر پیامبر اسلام نازل شده است؟! جالب این که قرآن می فرماید: «الیوم ننجیک بدنک» که این «الیوم» نشان می دهد که جسد فرعون همان روزی که در آب غرق شده، همان روز دوباره از آب گرفته شده و بدنش نجات پیدا کرده و خداوند خواسته این جسد برای عبرت آیندگان باقی بماند و جالب است که تمام جسد های فراعنه پژمرده شده ولی جسد فرعون زمان موسی^(ع) بسیار شاداب و حتی موهای سرش کاملاً پیداست.

پروفیسور مورس بوکای تورات و انجیل را بررسی کرد اما هیچ ذکری از نجات جسد فرعون در آن ها وجود نداشت.

۴. مسلمان شدن مورس بوکای

پس از اتمام تحقیق و ترمیم جسد فرعون، آن را به مصر بازگرداندند، ولی مورس بوکای خاطرش آرام نگرفت و تصمیم گرفت تا به کشورهای اسلامی سفر کند و از صحت خبر در مورد ذکر نجات جسد فرعون توسط قرآن مطمئن شود. در یکی از این سفرها با آیه ۹۲ سوره یونس روبرو شد: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ»؛ پس ما امروز (تو را غرق دریای هلاک کرده و) بدنت را برای عبرت آیندگان به ساحل نجات می رسانیم با آنکه بسیاری از مردم از آیات قدرت ما غافل هستند». این آیه او را بسیار تحت تأثیر قرار داد و با صدای بلند فریاد زد: «من به اسلام داخل شدم و به این قرآن ایمان آوردم».

مورس بوکای با تغییرات بسیاری در فکر و اندیشه و آیین به فرانسه بازگشت و ده ها سال در مورد تطابق حقائق علمی کشف شده در عصر جدید با آیه های قرآن تحقیق

کرد و حتی یک مورد از آیات قرآن را نیافت که با حقایق ثابت علمی تناقض داشته باشد.

موریس بوکای پس از ده سال مطالعه در قرآن در سال ۱۹۷۶ خطاب به مجمع پزشکی فرانسه اظهار داشت: در قرآن موضوعات علمی در ارتباط با تولید مثل و فیزیولوژی وجود دارد که کاملاً با دستاوردهای کنونی علم مطابقت دارند.



۵. نمونه‌ای از تحقیقات علمی موریس بوکای در قرآن

همان‌گونه که ذکر گردید، موریس بوکای بعد از دیدن جسد فرعون و تطبیق آن با

حقایق قرآن، دلش آرام نگرفت و به کشورهای اسلامی سفر نمود، و آیاتی از قرآن را بیشتر مورد بررسی قرار داده، وجود به وحیانی بودن قرآن اقرار نمود که برخی از موضوعات آن بیان می‌گردد.

۱-۵. آفرینش زمین و آسمان در قرآن

مورس بوکای بیان می‌دارد که روش قرآن کریم برعکس عهد عتیق، در بیان معارف، یکجا نبوده است، بلکه در جاهای متعدد به آن اشاره شده است، برای دانستن یک ایده روشن باید آیات مربوطه را گردآوری نماییم و این مخصوص آفرینش نبوده، موضوعات معظم دیگر قرآن نیز همین روش را دارد. اما بسیاری از اروپائیان این ایده را دارند که داستان آفرینش در قرآن و عهدین متوازی نقل شده است که من فکر می‌کنم این درک غلط است، زیرا در بین هردو تباین آشکار است، طوری که تفصیلاتی در عهدین وجود دارد که در قرآن نیست، هرچند تشابهاتی در میان هردو مشهودند؛ مانند شش روز آفرینش که نیاز به تأمل دارد.

۱-۵-۱. شش دوره آفرینش

کتاب مقدس بدون هیچ‌گونه ابهامی آفرینش را در شش روز و یک روز استراحت (روز سبت) نقل نموده و آن را به روزهای هفته تشبیه کرده‌اند و این طرز حکایت کاهنان قرن ششم قبل از میلاد است؛ یعنی هر یهودی باید روز سبت استراحت کند. طوری که خداوند بعد از شش روز آفرینش یک روز استراحت کرده است. در کتاب مقدس منظور از یوم یا روز، همان فاصله زمانی که بین دو طلوع متوالی یا دو غروب متوالی خورشید است. بنا بر منطق محض، این سازمانی که نقل شده است در آن زمان وجود گردش شب و روز هنوز مستقر نشده بود. اما مفسرین و مترجمان در آیاتی از قرآن که آفرینش را مطرح کرده است. بیان می‌دارد که هیچ‌گونه خستگی به خداوند راه ندارد «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان آن‌هاست در شش روز (شش دوران) آفریدیم و هیچ‌گونه رنج و تعبى به ما نرسید» (ق، ۳۸)؛ همچنان شایع‌ترین معنای یوم را روز (روشنایی) و به معنای «دوره»: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»؛ پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش

روز (شش دوران) آفرید (اعراف، ۵۲)، مدت طولانی و زمان نامعین (معارج، ۴)، گرفته‌اند.

۲-۱-۵. توالی آسمان و زمین

در آیه ۹-۱۲ سوره سجده و ۵۴ معارج و برخی آیات دیگر قرآن ترتیب آسمان و زمین تعیین نشده است؛ اما در آیه ۲۹ بقره و ۴ طه اول زمین، بعد آسمان آمده است اما در بسیاری آیات قرآن، آسمان‌ها پیش از زمین خلق شده است. تنها در آیات ۲۷-۳۲، سوره نازعات، اول زمین بعد آسمان نازل شده است. در واقع آیات هیچ توالی را تصریح نکرده است. نقش آن تنها حرف ربط انتظامی «و ثم» است که در اصطلاح فرانسوی به آن (ET) می‌گویند و نتیجه این است که زمین باید قبل از آفرینش آسمان وجود می‌داشت. باین حال به یک هم‌زمانی از دو تکامل آسمانی و زمینی با اختلاط پدیده‌ها واقف می‌شویم. بنابراین، نباید هیچ معنای خاصی برای اشاره‌ای که در متن قرآنی در مورد آفرینش زمین پیش از آسمان‌ها و یا آسمان پیش از زمین رفته قائل شد. جای کلمات موجب پیش‌داوری در باب ترتیب اجرای آفرینش نیست بالأخص اگر تصریحاتی در بین نباشد.

۲-۵. اندیشه‌های کلی در مورد آسمان‌ها

این‌گونه آیات در مقابل عقیده‌ای است که طبق آن سقف آسمان بدون ستون‌های نگهدار، فرومی‌ریزد (ق، ۶؛ الرعد، ۲؛ الرحمن، ۷). چنانکه خداوند می‌فرماید: «آیا ندیدی که خداوند آنچه در زمین است مسخر شما کرد؟ و کشتی‌ها به فرمان او بر صفحه اقیانوس‌ها حرکت می‌کنند و آسمان (کرات و سنگ‌های آسمانی) را نگه می‌دارد تا بر زمین، جز به فرمان او، فرونیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است» (حج، ۶۵).

از نظر علمی هر قدر اجرام آسمانی دورتر باشند، نیروهای جاذبه‌ای آنان ضعیف‌ترند و هر چه باهم نزدیک باشند، انعکاس یکی روی دیگری بیشتر است. این است وضع ماه، همسایه زمین که به واسطه قانون جاذبه بر آب دریاها اثر می‌کند و پدیده «جذر و مد» را به وجود می‌آورد. اگر دو جسم آسمانی زیاد به هم نزدیک شوند، تصادم

اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. تبعیت از یک نظم و ترتیب (یا از یک حکم و فرمان) شرط تخلف‌ناپذیر عدم احتلال است. طبق این نظر؛ اطاعت آسمان‌ها از فرمان الهی اکثر اوقات تذکر داده شده است.

در آیات دیگری از قرآن ملاحظه می‌گردد که منظور از آسمان‌های هفتگانه را باید آسمان‌های متعدد دانست، نه عده‌ای معین و محدود. «او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته» (جاثیه، ۱۳)، «خورشید و ماه بر طبق حساب منظمی می‌گردند» (الرحمن، ۵) و غیره آیات نیز مکمل همدیگر می‌باشند که نتیجه‌شان انتظام روند اجسام آسمانی مورد نظر می‌قباشد.

۱-۲-۵. هفت آسمان

عدد هفت، ۲۴ بار در قرآن کریم برای رقم‌گذاری‌های مختلف به کار رفته است و اغلب اوقات معنای تعدد و کثرت را می‌دهد؛ بدون اینکه مورد استعمال آن دقیقاً معلوم باشد. در قرآن عدد ۷، هفت بار در مورد خاص آسمان‌ها (سماوات) ذکر شده است. یکبار تنها به کار رفته که تلویحاً به آسمان‌ها اشاره دارد. و یکبار هفت طبقه آسمان مذکور گردیده است؛ مانند مؤمنون، ۱۷، ملک، ۳، نوح، ۱۵-۱۶ و... و نیز در آیات دیگری بیان شده است که در خارج از آسمان‌ها و زمین نیز اشیا وجود دارد.

۲-۲-۵. نجوم در قرآن

قرآن کریم علاوه بر داستان آفرینش، و تعدد آسمان‌ها، آنچه در آسمان و زمین و یا خارج از آن قرار دارد، چهل آیه دیگر توضیحی در مورد نجوم آمده است که برخی از آن آیات در بزرگداشت آفریننده و سازمان‌دهنده‌ای همه منظومه‌های ثوابت و سیارات اند که می‌دانیم این منظومه‌ها درست بر مواضعی تعادلی قرار گرفته‌اند که نیوتن استقرار آن‌ها را با قانون جاذبه متقابل اجسام بیان داشته است و منظور از نکات علمی بیان‌شده در آیات، نشانه قدرت کامل الهی است که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۳-۲-۵. خورشید و ماه

خورشید به معنای روشنائی «ضیاء» و ماه به معنای تابش و «نور» است که در آیاتی

از قرآن به آن اشاره شده است: «جاودان و پربرکت است آن خدایی که در آسمان‌ها برج‌هایی قرار داد و در میان آن چراغ روشن و ماه نور بخشی آفرید» (فرقان، ۶۱). آیا نمی‌دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده؟ و ماه را در میان آسمان‌ها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرارداد است (نوح، ۱۵-۱۶). در آیات یادشده مراد از چراغ فروزان همان خورشید است.

در اینجا ماه مانند جسم روشن‌کننده تعریف شده است؛ یعنی همان (منیر) که از ریشه نور مشتق گردیده است؛ اما خورشید به مشعل (سراج) یا چراغ پرفروغ تشبیه شده است. تشبیهات در قرآن کاملاً طبیعی است. آنچه از آیات به دست می‌آید و علم نیز ثابت می‌کند اینکه خورشید ثابت بوده که به وسیله احتراقات داخلی، حرارت شدید و نور تولید می‌کند و حال آنکه ماه از خود نور ندارد و فقط نور خورشید دریافتی را منعکس می‌سازد و کوکب بی جنب و جوشی را تشکیل می‌دهد. اما در مورد تطبیقات خارجی آن در متن قرآن چیزی وجود ندارد که مخالف آنچه امروزه درباره‌ی دو جسم آسمانی مزبور می‌دانیم، باشد (بوکای، ۱۳۹۳، ۲۱۰-۲۱۱).

۴-۲-۵. ستارگان (ثوابت)

ثوابت نیز مانند خورشید اجسام آسمانی هستند که مکرر پدیده‌های فیزیکی متنوع‌اند و تولید نور، بارزترین آن پدیده‌ها می‌باشند و ستارگان مزبور درخشندگی خاصی دارند. کلمه نجم که جمع آن نجوم است سیزده مرتبه در قرآن آمده است و به معنای ظهور و خود نشان دادن است و ستارگانی‌اند که راساً نور و حرارت تولید می‌کند و یا به‌طور کلی خود انرژی‌زاست. سوگند به آسمان و کوبنده شب و تو نمی‌دانی کوبنده شب چیست؟! همان ستاره درخشان و شکافنده بهار خوابی‌ها» (الطارق، ۱-۳). در قرآن کریم ستارگان شب بنام ثاقب توصیف شده است که منظور از آن تاریکی‌های شب است که به آن نفوذ می‌کند. به علاوه برای تعیین شهاب ثاقب نیز به کار می‌رود (الصافات، ۱۰). این شهاب ثاقب نتیجه یک احتراق‌اند.

۵-۲-۵. سیارات

سیارات به‌خودی‌خود منور نیستند. دور خورشید می‌چرخند و زمین نیز جز آن‌هاست.

در زمان‌های قدیم پنج سیاره خارج از زمین را می‌شناختند که عبارت است از: عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل؛ اما سه سیاره دیگر: نپتون، پلوتون و اورانوس را بعداً کشف کردند که قرآن آن‌ها بدون ذکر تعداد، تحت نام کواکب و یا کوکب معرفی کرده است. کلمه کوکب در آیات زیادی از قرآن ذکر گردیده است، اما اینکه منظور آن کدام اجسام آسمانی است در برخی از آیات نمی‌توان مشخص کرد؛ اما در پرتو شناخته‌ای نوبه نظر می‌رسد که فقط در یک آیه، اجسام آسمانی را به عنوان «سیارات» می‌شناسیم. «ما آسمان پائین را با ستارگان تزیین کردیم» (الصفافات، ۶).

۳-۵. آیاتی با جنبه‌های عمومی زمین

این آیات از طرفی ایده‌های ساده‌ای را بیان نموده است تا برای بادیه‌نشینان و ساکنان مکه و مدینه قابل فهم باشد. از طرف دیگر اندیشه‌هایی را با جنبه‌های عمومی بیان کرده است تا مردم باسوادتر در تمام کشورها بتوانند در حین که به خود زحمت اندیشیدن می‌دهند، درس‌هایی از آن فراگیرند و این امر جهانی بودن قرآن را می‌رساند. به مضامین برخی آیات در این مورد اشاره می‌شود:

«آن‌کس که زمین را بستر شما و آسمان جوّ زمین را سقفی بر فرازتان قرارداد. و از آسمان آبی فرو فرستاد (و به وسیله آن میوه‌ها) و انواع محصولات (را برای روزی شما رویند. بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، درحالی که می‌دانید) هیچ‌یک از آن‌ها، نه شما را آفریده و نه روزی می‌دهند» (بقره، ۲۲)؛ «همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که برای سودرسانی به مردم در دریا در حرکت‌اند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین مرده را زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و همچنین در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین معلق‌اند، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی گویاست» (بقره، ۱۶۴).

همچنان آیاتی از سوره حجرات، ۱۹-۲۱ و طه، ۵۳-۵۴، ثبات عمومی قشر زمین را نشان می‌دهد، و می‌دانیم که قشر سطحی زمین در سنن اولیه، پیش از سرد شدن ناپایدار بود، و ثبات قشر زمین مطلق تام نیست، چراکه در مناطقی زمین لرزه‌های

متناوب رخ می‌دهد و این پدیده معلول حرکت زمین است. بر اساس سوره (النحل، ۶۱)، حائل بین دو دریا تصویری است برای نشان دادن عدم اختلاط آب شط‌ها با آب دریا در برخی خلیج‌های بزرگ، همچنان سوره مبارکه (النازعات، ۳۰- و ۳۳). برخی آیات دیگر در مورد گستردگی زمین و اهمیت آب روی سطح زمین و باروری خاک تذکر داده است که آب در کشورهای صحرایی یقیناً به درجه اولی است که ادامه زندگی بشر را مقید می‌سازد. زمین بدون آب سیاره‌ای مرده مانند ماه می‌بود که قرآن در یادآوری پدیده‌های طبیعی زمین جای نخست را به آب می‌دهد و دوره آب در آن با صحت شایان توجهی توصیف شده است.

۱-۳-۵. دوره آب و دریا

نقش آب در زندگی انسان را، آیات قرآن به صورت آشکار بیان می‌کند. اما اگر مفاهیم قدیمی و اسطوره‌ای را در این خصوص در نظر بگیریم، داده‌های قرآنی که با تفصیل بیان کرده است، ناشی از مفاهیم اسطوره‌ای نیست. تصور اینکه که آب‌های زیرزمین می‌توانستند از نفوذ بارندگی‌ها در زیرزمین حاصل شود ساده بود، که از این ابتکار «ویتروو» در قرن اول قبل از میلاد نیز دفاع کرده است. دو کارشناس دیگر «ژ. کاستانی وب، بالوو» در مقاله‌اش تحت عنوان (نیدروژوئولوژی) در دایرةالمعارف اونیورسالیس، تاریخچه آگاهی‌بخش در این مورد به دست داده‌اند: برای طالس ملطی در قرن هفتم پیش از میلاد، موضوع عبارت است از تئوری راندن آب اقیانوس در داخل قاره‌ها بر اثر وزش باده‌ها، ریزش آن روی اراضی و نفوذ آن در خاک. افلاطون نیز در این ایده‌ها شریک بود. ارسطو نیز چنین فرض نموده است: بخار آب زمین در حفره‌های سرد شده کوه‌ها تبدیل به آب شده، و دریاچه‌های زمینی تشکیل می‌دهد که چشمه‌ها را تغذیه می‌کردند. تئوری که در قرن هفدهم تکرار و تصدیق شده اینکه: آب‌های زیرزمین از نفوذ آب‌های باران در زمین حاصل می‌شود.

اما آیاتی از قرآن کریم چنین تعبیر دارد؛ (ق، ۹-۱۱، المؤمنون، ۱۸، الحجر، ۲۲، فاطر، ۹): «بادهای آبستن‌کننده می‌توانند به عنوان بارورکننده نباتات به وسیله نقل پلن (polen) گردی که در گل‌ها است و باعث باروری می‌گردد، تلقی شود، همچنین

ممکن است اصطلاح مستعاری باشد که متشابهاتش نقش بادی را به خاطر آورد که از ابری سترون، ابری زایا بسازد. این نقش اغلب اوقات یادآوری شده است. در آیه‌ای از قرآن به آب‌شور اشاره کرده است: «هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می‌دهیم؛ پس چرا شکر نمی‌کنید؟» (واقعۀ، ۷۰).

اینکه خداوند می‌توانست آب را که طبیعتاً شور نیست شور کند، و برای بیان قدرت تام خداوند بیان گردیده است و بشر را برای آوردن باران از ابر تحدی می‌کند که از حد امکان بشر خارج است و انسان هیچ‌گاه نمی‌تواند دوره‌ای مستقری را که جریان آب در طبیعت فراهم می‌کند بگسلد. دوره‌ای که می‌توان برحسب آموزش‌های آب‌شناسی نوین به نحو ذیل خلاصه کرد: تشعشع حرارتی خورشید موجب تبخیر اقیانوس‌ها و تمام سطوح زمینی که پوشیده یا آغشته به آب‌اند، می‌شود. بخار آبی که بدین ترتیب برآمده است در جو بالا می‌رود، و در آنجا در نتیجه تراکم، تشکیل ابرها می‌دهد، آنگاه نقش بادها در میان می‌آید که ابرهای چنین تشکیل یافته را به فواصل متغیر نقل می‌کنند. این ابرها گاهی می‌توانند بدون دادن بارانی ناپدید گردند. گاهی توده‌های آن‌ها به توده‌های دیگری ملحق شده تا تراکم‌های بزرگ‌تری را به وجود آورند و گاهی پاره‌پاره می‌شوند، تا در مرحله‌ای از تحول ابر باران دهند. هنگامی که باران به دریاها ۷۰٪ سطح کره زمین را تشکیل می‌دهد برسد، بخشی از آن می‌تواند توسط نباتات جذب شده و در نموی آن‌ها سهیم گردد. این نباتات به نوبه خود از طریق تعویق بخشی، آب را دوباره به هوا می‌دهند.

بخش دیگر کمایش در خاک نفوذ کرده و از آنجا می‌تواند به وسیله مجاری آب به‌سوی اقیانوس‌ها روان شود، یا درون خاک رود تا بعداً به‌سوی شبکه‌ای سطحی زمین به‌صورت چشمه‌ها و آبخیزها برگردد که این داده‌های آب‌شناسی را با داده‌های آیات قرآن کریم باید مقایسه کرد، نامعلوم گردد چه توافق شایانی هست.

۲-۳-۵. دریاها در قرآن

به‌طور کلی از مقایسه معارف جدید و آیات قرآنی مربوط به دوره طبیعت آب، چنین به دست آمده است که آیات قرآن هیچ‌گاه الزامی برای مواجهه با داده‌های علمی

نمی‌کند. هیچ جمله قرآنی درباره دریاها رجوع به عقاید اساطیر یا خرافات آن عصر نیست و چندی از آیات قرآن کریم مربوط به اقیانوس و دریانوردی برای اندیشیدن به قدرت تام خداوند ارائه شده است:

(النحل، ۱۴) از گماشتن کشتی که حامل انسان‌های روی دریاست، صحبت می‌کند. همچنانکه کشتی نوح سابقاً نوح و سوارشدگان کشتی را حمل کرد و آنان را به خشکی رسانید و امت سه‌گانه را تشکیل داد. سه‌ایه دیگر مانند: (لقمان، ۳۱) «آیا ندیدی کشتی‌ها در دریاها و به برکت نعمت او حرکت می‌کنند. تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد»؛ (الرحمن، ۵۴) «و برای او است کشتی‌های ساخته شده که در دریا به حرکت درمی‌آیند و همچون کوهی هستند» (یس، ۴۱-۴۴). این آیات به برخی از اوصاف شط‌های بزرگ هنگامی که به اقیانوس‌ها می‌ریزند اشاره می‌کند. پدیده عدم اختلاط فوری آب‌های شور دریاها، با آب‌های شیرین شط‌های بزرگ که بیشتر اوقات به آن برمی‌خوریم به خوبی شناخته شده است. تصور می‌شود که قرآن پدیده مزبور را در مورد ملتقای فرات و دجله که با توأم شدن خود به اصطلاح دریای درازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر (شط العرب) را می‌سازند، تذکر می‌دهد. در ته خلیج اقر، جذر و مدها پدیده خجسته فروکش آب شیرین در داخل زمین‌ها را ایجاد می‌کند که آبیاری رضایت‌بخشی را تأمین می‌نماید.

برای درک بهتر نص قرآن باید دانست که «مر» در زبان فرانسه مفهوم کلی کلمه عربی «بحر» را بیان می‌کند که به معنای توده عظیم آب بوده و در مورد اقیانوس و نیز در مورد شط‌های خیلی بزرگ مثلاً نیل، دجله، فرات و اقیانوس استعمال می‌گردد. همچنان (فرقان، ۳۵، فاطر، ۱۲ و الرحمن، ۱۹-۲۱) نیز علاوه بر این پدیده‌ها؛ عواید مستخرج آب‌های شیرین و شور را تذکر می‌دهد.

۴-۵. اندیشه‌های قرآنی در مورد برخی حیوانات

هنگامی که متخصصان سلسله اعصاب می‌خواهند مثل‌های برجسته و معجزه‌آسایی که بر رفتار حیوانی حکومت می‌کند، بیاورند، حیوانی که اغلب اوقات نام می‌برند، زنبور عسل‌ها، عنکبوت‌ها و پرندگان می‌باشند. این سه گروه از نمونه‌های عالی و

عبرت‌انگیز حیوانات هستند. علاوه بر قرآن از نظرگاه علمی نیز خصلت‌های استثنایی شناسایی شده‌اند.

۱-۴-۵ زنبور عسل

قرآن کریم در سوره (النحل، ۶۸-۶۹) بیان نموده است: «و پروردگار توبه زنبور عسل وحی و (الهام غریزی) نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین» همین‌طور در آیات دیگر قرآن بیان شده است. بنا بر درک صحیح معنای فرمان راه سپری طرق پروردگار با فروتنی؛ اینکه زنبورها به وسیله رقص‌شان وسیله‌ای ارتباطی بین خود دارند و بدین ترتیب قادرند به هم‌نوع خود بشناسانند در چه امتداد فاصله‌ی گل‌هایی که باید بکنند، موقعیت دارند. و از نظر علمی تجربه شهیر فن فریش بیان‌کننده این است که معنای حرکات حشره را که به منظور انتقال خبر بین زنبور عسل‌های کارگر می‌باشد، آشکار کرده است.

۲-۴-۵ عنکبوت

در قرآن کریم سخن از نازکی و لطافت و سستی خانه عنکبوت به میان آمده است که پناهگاه ناپایدار است و تمثیلی است رای انسان‌های که پناهی غیر خدا را انتخاب می‌کند. (عنکبوت، ۴۱) «مَثَلُ كَسَانِي كِهْ غَيْرَ از خدا را اولیای خود برگزیدند، مَثَلُ عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده، درحالی‌که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند» تار عنکبوت از تخم‌های ابریشمین مترشح از غدد موجود در حیوان ساخته شده که قطر آن کم است، باریکی آن را بشر نمی‌تواند تقلید کند. همچنان طبیعی‌دانان نیز در حال مطالعه‌اند.

۳-۴-۵ پرندگان

در قرآن از پرندگان نیز کرااً صحبت شده است، چنانکه در زندگانی هریک پیامبران مانند یوسف، ابراهیم، داود، سلیمان و موسی نیز به نوعی دخالت دارند که با موضوع مطروح در اینجا مربوط نیست. اما آیه‌ای که مربوط به امم جانوران زمینی، و پرندگان است: «هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز

می‌کند نیست، مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند» (انعام، ۳۸). همچنان دو آیه‌ای دیگر اطاعت محض پرندگان از قدرت‌های خداوند را آشکار می‌سازد (النحل، ۷۹؛ الملک، ۱۹).

مفهوم آیات این است که خداوند (ج) پرندگان را تحت اختیار و قدرت خویش نگاه می‌دارد. کلمه عربی مورد بحث در آیه مربوطه «یمسکهن» در سوره النحل معنای گرفتن، در دست داشتن و نگاه داشتن کسی را می‌دهد. می‌توان این آیات را که کاملاً بر وابستگی به‌غایت شدید رفتار پرنده بر حکم خداوندی تکیه می‌کنند، با معلومات جدید که نقطه کمال برخی انواع پرندگان به در برنامه‌ریزی و انتقالات‌شان را نشان می‌دهند نزدیک دانست؛ زیرا این حاکی از وجود یک برنامه مهاجرت ثبت شده در رمز توارث حیوان است که آنها را قادر می‌سازد مسیرهای پیچیده و بسیار طولانی را بی‌هیچ تجربه‌ای قبلی و بدون هیچ راهنمایی کنند و قادر به بازگشت به نقطه‌ای عزیزت باشند.

پروفسور هامبورژ، در کتابش بنام «توان و ناستواری» به‌عنوان مثال، یکی از پرندگان معروف بنام «ماتن بورد» را که در اقیانوس آرام زندگی می‌کند و مسیری به شکل «۸» به طول ۲۵۰۰۰ کیلومتر دارد، ذکر می‌کند.

قبول داریم که مجموع دستوره‌های بسیار پیچیده برای چنین سفری لزوماً در سلول‌های عصبی پرنده ثبت گردیده، و حتماً برنامه‌ریزی شده‌اند، اما برنامه‌ریز کیست؟ (بوکای، ۱۳۹۳، ۲۵۹-۲۶۲).

۵-۵. مراحل تکامل جنین در قرآن

دکتر موریس بوکای پزشک متخصص فرانسوی، در مورد پیشینه جنین‌شناسی و شناخت پیدایش انسان از تخم مخلوط زن و مرد و تطورات مراتب جنین، چنین می‌نویسد:

آن چنانکه در قرآن شرح داده شده است کاملاً پاسخ‌گویی آنچه امروزه از برخی مراحل رشد جنین می‌دانند هست و دارای هیچ مطلبی که علم جدید بتواند انتقاد نماید نیست. پس از اصطلاح بسیار استوار «آنچه که آویخته می‌شود» قرآن می‌گوید

که جنین از مرحله‌ای گوشت (مانند گوشت جویده) کار می‌کند. سپس نسج استخوانی پوشیده از گوشت پدید می‌آید (که با کلمه‌ای غیر از کلمه قبل مشخص شده و به معنی گوشت تازه است) «سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و مضغه را به صورت استخوان‌هایی در آورديم، از آن پس آن را آفرینش تازه‌ای ایجاد کردیم، بزرگ است خدایی که بهترین خلق کنندگان است!» (المؤمنون، ۱۴).

گوشت جویده ترجمه کلمه «مضغه» است؛ مانند گوشت (تازه) ترجمه کلمه «لحم» است این تمایز شایسته تذکر است. جنین بدواً جرم کوچکی است که در مرحله‌ای از رشدش با چشم غیر مسلح کاملاً به صورت گوشت جویده پدید می‌گردد. سیستم استخوانی در میان این جرم در آنچه که میانشامه (mesenchyme) می‌نامند، رشد می‌کند. استخوان‌های متشکله با اجرام عضلانی پوشیده می‌شوند: کلمه «لحم» به این اجرام اطلاق می‌شوند. می‌دانیم که در حین رشد جنین، برخی از قسمت‌ها با آنچه بعدها فردی خواهد شد کاملاً نامتناسب ظاهر می‌گردند و برخی دیگر متناسب می‌مانند. آیا این، معنی کلمه «مخلقه» نیست که «با تناسب ساخته شده» معنی می‌دهد و در سوره حج آیه ۲۲ به کار رفته است؟

قرآن پدید آمدن حواس و احشاء را نیز یادآوری می‌کند. «بعد اندام او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید و برای شما گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، اما کمتر شکر نعمت‌های او را به جای می‌آورید!» و نیز در سوره آیه ۴۵-۴۶ نوع جنسیت را بیان کرده است. «و او است که دوزوج مذکر و مؤنث را می‌آفریند؛ از نطفه‌ای که خارج می‌شود (و در رحم می‌ریزد)». همچنان در سوره فاطر آیه ۱۱ و قیامة آیه ۳۹، تکوین جنسیت یادآوری شده است.

باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده عصر جدید مقایسه کرد، موافق بودنشان با این‌ها واضح است، همچنین بی‌نهایت مهم است که آن‌ها را با عقاید عمومی که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع می‌بود مواجهه داد نامعلوم گردد انسان‌های آن زمان تاج اندازه از نظرت شبیه آنچه در قرآن درباره این

مسائل عرضه شده، دور بودند. درواقع، این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریباً روشنی از این مسائل پیدا می‌کنیم. در تمام مدت قرون وسطی، اساطیر و نظرات صوری بی‌پایه، منشأ متنوع‌ترین آراء و تا چندین قرن پس از آن جاری و ساری بود.

آیا می‌دانید که مرحله اساسی در تاریخ جنین‌شناسی تصدیق «هاروی» (Harvey پزشک انگلیسی، ۱۵۷۶-۱۵۵۷)، در سال ۱۶۵۱ میلادی بود؛ مشعر به اینکه «هر چیزی که می‌زید در آغاز از تخمی می‌آید» و اینکه جنین به تدریج پس از بخشی درست می‌شود؟ اما در آن عصر باوجود اینکه دانش نوزاد از اختراع جدید میکروسکوپ برای موضوع مورد توجه ما بسیار استفاده می‌کرده است، همچنان درباره نقش‌های متقابل تخم و اسپرماتوزوئید بحث وجود داشت.

طبیعی‌دانان بزرگ مثل بوفین، نویسنده فرانسوی و بونه فیلسوف سوئیسی، از «تودرهمی» جرثومه‌ها دفاع می‌کردند، بدین شرح: تخمدان حوا، مادر نوع انسان، حاوی جرثومه‌های تودرتوی هم قرارگرفته همه موجودات بشری می‌بوده است که این فرض در قرن هجدهم مورد قبول بعضی‌ها قرار گرفت. بیانات قرآن در باب تولیدمثل انسان، حقایق اساسی را که انسان‌ها قرون چند برای کشف آن گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است.

۶. آثار موریس بوکای

تحقیق دانشمندان غربی در مورد مباحث علوم دینی و اسلامی با دورویکرد انجام می‌شود، عده‌ای با رویکرد ابطال و مغرضانه، سعی بر اثبات عدم وحیانی بودن دین و قرآن دارند، و آیات را به صورت انحرافی و به نفع اعتقاد و باورهای کورکورانه خودشان تفسیر و تبیین می‌کنند. عده‌ای دیگر با دیدن معجزات و حقایقی از قرآن، با حالت حیرت‌انگیز، بدون تعصب و پیش‌فرض‌های قلبی، باهدف مقدس، به تحقیق بیشتر پرداخته و شگفتی‌های معجزه انگیز آیات را به دست می‌آورند که از توان بشر خارج است.

یکی از محققان نوع دوم مورس بوکای است که با تغییرات بسیاری در فکر و اندیشه و آیین به فرانسه بازگشت و ده‌ها سال در مورد تطبیق حقائق علمی کشف‌شده در عصر جدید با آیه‌های قرآن تحقیق کرد و حتی یک مورد از آیات قرآن را نیافت که با حقایق ثابت علمی تناقض داشته باشد. و همواره بر ایمان او به کلام‌الله مجید افزوده شد. حاصل تلاش سال‌ها تحقیق این دانشمند فرانسوی قرار زیر است.

۱. «قرآن، تورات، انجیل و علم» بررسی کتب مقدس در پرتو علوم جدید.
۲. «عهدین، قرآن و علم (وی در این کتاب استدلال می‌کند که قرآن، هیچ عبارتی ندارد که با واقعیات اثبات‌شده‌ای علمی پرتناقض باشد).
۳. فراعنه مومیایی: بررسی پزشکی نوین.
۴. بازتاب‌ها بر قرآن.
۵. بشر از کجا می‌آید؟ پاسخ‌های علم و کتاب مقدس.
۶. موسی و فرعون، عبری‌ها در مصر.

نتیجه‌گیری

اعجاز قرآن ابعاد متعددی مثل فصاحت، بلاغت، محتوا، اخبار غیبی، مباحث علمی، ادبی، اخلاقی و... دارد و جهت تحدّی و مبارزه‌طلبی قرآن همه وجوه اعجاز قرآن است (غیر از صرفه که باطل است) البته جهات اعجاز قرآن نسبت به مخاطبین، متفاوت است و هرکسی را بر اساس تخصص و استعداد او و در همان زمینه به مبارزه می‌طلبند. هرچند اعجاز قرآن و تحدّی آن شامل همه زمان‌ها می‌گردد و همین‌که در طول چهارده قرن کسی نتوانسته مثل قرآن را بیاورد، اعجاز قرآن و حقانیت و صداقت پیامبر اسلام (ص) ثابت می‌شود. از همین روست که گفته‌اند ترجمه کامل قرآن به زبان دیگر به‌طوری‌که مثلاً قرآنی به زبان فارسی داشته باشیم، ممکن نیست چون نمی‌توان همه خصوصیات محتوا و لفظ را از زبان عربی قرآن به زبان دوم منتقل کرد. «مورس بوکای می‌گوید: بررسی کامل عینی و بی‌طرفانه قرآن در پرتو دانش مدرن، ما را به درک توافق بین این دو (قرآن و علم) رهنمون می‌سازد و نیز این حقیقت را روشن می‌سازد

که در زمان محمد، نه او و نه هیچ انسان دیگری نمی‌توانسته است چنین مطالب شگفت‌انگیزی را که با علم امروز مطابقت می‌کند، به رشته تحریر درآورد». موریس بوکای بعد از تحقیق و ترمیم جسد فرعون و تطبیق آن با آیات قرآن، و ده‌ها تحقیقات دیگر را که انجام داده است، هیچ نقضی در هردو دیده نشده است. از جمله آفرینش آسمان و زمین در شش روز یا شش دوره، و تکامل آسمان و زمین، اینکه آسمان قبل از زمین خلق شده است. و در آیات قرآن منظور از هفت آسمان تعدد و کثرت است. و در آیات ثابت شده که خداوند^(ج) آسمان را سقف استوار و خورشید را به‌عنوان چراغ فروزان، در میان آسمان‌ها قرار داده است، ستارگان و سیارات را وسیله تزیین آسمان‌ها قرار داده است. و زمین را بستر برای انسان‌ها و وسیله‌ای رشد و نمو برای سایر موجودات قرار داده است، و شگفتی که در زمین بیان گردیده است اینکه خداوند در زمین آب‌های شور و شیرین را با عواید و حکمت خاصی قرار داده است که از قدرت بشر خارج است.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. بوکای، موریس، (بی تا) مقایسه‌ای میان: تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. جرجانی، عبد القاهر، (۱۳۶۸)، دلائل الاعجاز فی القرآن، ترجمه محمد رادمش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۴. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۵)، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالزهراء للطباعة والنشر والتوزیع.
۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۶. علیقلی، محمد مهدی، (۱۳۷۵)، قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند، سینا.
۷. قدردان قراملکی، محمدحسن، (۱۳۸۳)، معجزه در قلمرو عقل و دین، قم: بوستان کتاب.
۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۹۶)، التمهید فی علوم القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. میر محمدی، سید ابوالفضل، (۱۳۷۷)، تاریخ و علوم قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.